اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۲۲۵)

اژدها (۶)

داستان‌های قرآنی فقط روایت تاریخی نیستند، بلکه برنامه زندگی انسانها را ارائه میدهند. صالح به مردم ثمود گفت که حریم ناقه را نگه دارید و یک روز در میان آب را به او اختصاص دهید. این کار، طغیان درونی قوم ثمود را کنترل میکرد. اما مردم ثمود ناقه را کشتند و طغیان خود را بروز دادند. از این حادثه یاد می گیریم که یکی از راههای کنترل آشوبها و زیاده خواهی ها و طغیانهای درونی، رعایت صلح نسبت به محیط زیست و سایر موجودات وسایر انسانها است. رعایت حقوق حیوانات و محیط زیست، راهی برای کنترل طغیان درونی است. انسان‌ها با رعایت حریم موجودات و افراد دیگر، خود را از بی عدالتی و زیاده خواهی دور نگه می دارند. طبق آیه قرآن، هر چیزی که صلح و اصلاح را از بین ببرد، یک نوع فساد است.

وَ لاَ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْض بَعْدَ إِصْلاَحِهَا وَادْعُوه خَوْفاً وَ طَمَعاً إِن رَحْمَت الله قَرِيب مِن الْمُحْسِنِين (اعراف: ۵۶)

و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید، و او را با بیم و امید بخوانید! (بیم از مسئولیتها، و امید به رحمتش. و نیکی کنید) زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیك است!

رعایت این محدودیت، روحیه مسئولیت پذیری و صلح طلبی را در جامعه تقویت می‌کرد. ناقه کلمه ای سانسکریتی است (naga) که به معنای اژدهاست. کشتن اژدها توسط قوم ثمود نشان‌دهنده انفجار طغیان درونی و نادیده گرفتن قوانین الهی بود. در ادامه قسمتهای قبل، نکات دیگری از این موضوع هست که در زیر بیان میشود:

۱- این حادثه به ما یادآوری می‌کند که آشوب های درونی و بی عدالتی های اجتماعی، گاهی از عدم رعایت حریم محیط زیست و حریم موجودات دیگر نشات می‌گیرد. وقتی انسان از محدودیت های طبیعی و الهی فاصله می‌گیرد، به سوی تخریب و نابودی می‌رود. بنابراین، رعایت صلح با طبیعت و دیگر موجودات، یکی از ضروریات صلح درونی و اجتماعی است.

۲- به شهادت تمام عرب زبانان، کلمه ثمود یک کلمه غیرعربی است. کلمه ثمودرا (samudra) در سانسکریتی به معنای دریاچه آب است. sam

به معنای جمع است و udra به معنای آب است. قوم ثمود یک قبیله ساده نبوده است، بلکه اتحادیه و یک امپراتوری بوده است و از عربستان تا هندوستان را شامل میشده است.

یکی از وداها، ساماودا است که پر است از جملات شعر مانند. این کتاب پر است از الهه پردازی و قطعا این کتابها نمی توانند تعلیمات پیامبر صالح باشند. اشعار و نغمه های ساماودا یکی از ریشه های اصلی موسیقی و رقص سنتی هندی است. امروزه در زبان فارسی سما را سماع می گویند که یک نوع دعا همراه با رقص می باشد. دعا همراه با رقص از سنتهای قوم ثمود بوده است که بعدا به نسلهای بعدی نفوذ پیدا کرد. این تعلیمات ربطی به پیامبر صالح ندارند. رقص سماع بین گروههایی از صوفیان هم رایج است که از آن برای خلسگی و به حالت مدیتیشن رفتن استفاده میکنند. این روشها بدون هیچ گونه شکی روشهایی شیطانی هستند که ربطی به پیامبر صالح ندارد و بلکه از قوم ثمود بر جای مانده است. نمی دانم چه سر و رازی در کار است که بسیاری از پیروان ادیان بعد از مدتی به حالت جاهلیت خود بر می گردند. مسیحیان ابتدا یکتاپرست بودند، اما با گذشت زمان تثلیث را اختراع کرده و به حالت جاهلیت و قبل از مسیحیت بر گشتند. مومنان قوم ثمود ابتدا پیرو صالح بودند، اما بعد از آن با تحریف تعلیمات او، به سمت سماع و مدیتیشن و یوگا رفتند. سماع که آواز همراه با رقص بوده است از سنتهای قوم ثمود بوده است.

۳- وقتی داستان قوم ثمود را میخوانیم، طغیان درونی قوم ثمود برجسته است. طغیان درونی میتواند به صورت اندیشه منفی، خشونت، شقاوت و سایر صفات شیطانی بروز کند. تعامل مثبت با محیط زیست، باعث تخلیه و نابودی صفات شرّ موجود در درون انسان میشود. آدمیان باید طرز واکنش و کنش خود نسبت به طبیعت را در نظر داشته باشند و این آینه خوبی است تا که درون خود را در کنار حیات دیگران ببینیم. با این اوصاف میتوان گفت که رعایت صلح با دیگران و با دیگر موجودات و محیط زیست، میتواند پایه کنترل انسان طغیانگر است. حتی میتوان گفت که اگر به هر دلیلی محیط زیست از بین برود، در آرامش درونی انسانها تاثیر منفی می گذارد.

۴- حادثه اژدها و ثمود ثابت کرد که از بین رفتن محیط زیست، نه تنها به طبیعت آسیب می‌زند، بلکه به آرامش درونی انسان نیز آسیب می‌زند، چرا که انسان در ارتباط با طبیعت، خود را می‌یابد و متعادل می‌شود. در نتیجه، حفاظت از طبیعت و رعایت صلح با دیگر موجودات، ضرورتی مهم برای حفظ سلامت روانی است.

۵- جوامعی که طبیعت و محیط زیستشان را نابود کردند، عملا انسجام روحی روانی خود را از دست دادند و خود را به سمت هلاکت اخلاقی، روانی بردند. یهودیان هر هفت سال به زمین کشاورزی استراحت میدهند و این نوعی رعایت حریم زمینهای کشاورزی است.

۶- انسان نگهبان زمین است و نه مالک آن. اما انسان نمی خواهد این را در گوشش فرو کند و خود را صاحب جان و مالک تمام موجودات میداند. همین توهم کار دست انسان داده است و از او یک موجود طغیانگر ساخته است. آدمیان بهتر است که در این دنیای فانی به این نتیجه برسند که مالک زمین نیستند و بلکه بطور موقتی رهگذر و محافظ هستند و گرنه در جهنم به این نتیجه می رسند که مالک هیچ چیزی نیستند. جهنمیان در جهنم، فریاد میزنند که ای مالک جهنم، ای کاش پروردگارت ما را بمیراند و یا ما را قضاوت کند. اما مالک جهنم در جواب آنها یاد آوری میکند که شما در اینجا رهگذر نیستید و بلکه ماندنی هستید.

وَ نَادَوْا يَا مَالِك لِيَقْض عَلَيْنَا رَبُّك قَال إِنَّكُمْ مَاكِثُون (زخرف: ۷۷)

آنها فریاد می‌کشند: «ای مالك دوزخ! (ای کاش) پروردگارت ما را بمیراند (تا آسوده شویم)!» می‌گوید: شما در این جا ماندنی هستید!

۷- تعامل و رعایت حال دیگر موجودات، فقط مربوط به طبیعت وحیات وحش نیست، بلکه مربوط به دیگر انسانها هم هست. گوش دادن، احترام، رعایت حقوق دیگران، طبقاتی نکردن امکانات جامعه و خیلی موارد دیگر.

۸- یکی دیگر از مواردی که ثابت میکند که هندوها پیرو پیامبر صالح بودند، جملاتی در وداهاست که در مورد صلح آمده است. اگر چه وداها پر است از الهه پردازی و این با اصل پیام پیامبر صالح منافات دارد ولی رگه هایی از صلح در آن هنوز مانده است. وداها در مورد صلح چه می گویند:

- بیایید صلح را جستجو کنیم
- عدم خشونت، بالاترین وظیفه است
- جهان را به سمت صلح رهبری کن
- جهان باید به سمت صلح باشد
- حق را بگو، عدالت را رعایت کن، صلح را حفظ کن
- بی‌خون‌ریزی، بالاترین دین است
- صالحان، آرامش را حفظ می‌کنند
- کسی که از همه تعلقات دنیوی رها است، در صلح ابدی ریشه می‌گیرد

پس میتوان گفت که تعدادی از پیامهای وداها سالم مانده اند و پیام صلح را در خود دارند. نکته مهمی که از حادثه اژدهای صالح (ناقه=ناگا) متوجه می شویم، این است که صلح بیرونی، صلح درونی می آورد و حتی برعکسش هم درست است. صلح درونی، صلح بیرونی می آورد. وقتی حریم حیات وحش و زیر مجموعه های خود را رعایت کنیم، این یعنی صلح بیرونی. صلح بیرونی، طغیان نفس ما را از بین می برد و این به نوعی صلح درونی است. وقتی هم صلح و تعادل درونی داشته باشیم و طغیان های خود را بخوابانیم،

خودبخود به سمت رعایت حریم دیگران و دیگر موجودات می رویم و این میشود صلح بیرونی.

رعایت حریم محیط زیست و حیات وحش ← آرامش و صلح و تعادل درونی
آرامش و صلح و تعادل درونی ← رعایت حریم محیط زیست و حیات وحش

در واقع آرامش درون و بیرون دو روی یک سکه هستند که با هم مرتبطند. کسی که در درونش جنگی نیست، در بیرون نیز جنگی ایجاد نمی‌کند. اما کسی که در بیرون جنگ و دعوا دارد، نشان از جنگ و طغیان درونی اوست.

۹- قوم ثمود به حالتی از روان رسیده بودند که قادر به قیام نبودند. قیام به معنای عزم را جزم کردن و با جدیت کاری را برای بهبود وضعیت موجود انجام دادن است. ما وقتی برای نماز قیام می کنیم، یعنی عزم جدی برای تطهیر و تزکیه خود داریم. از این جا مشخص می شود که کسانی که حریم محیط زیست جانوری و گیاهی خویش را رعایت نمی کنند، قادر به انجام قیام نیستند و در نتیجه نماز هم نمی توانند به جا آورند. برای انجام نماز باید شرایطش را طوری فراهم کنید که بتوانید قیام کنید. وقتی نتوانید قیام کنید، دیگر نمی توانید از خدا کمک بطلبید. زیرا اولین مرحله درخواست کمک، قیام کردن است.

فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَام وَ مَا كَانُوا مُنْتَصِرِين (ذاريات: ۴۵)

آنها توان قيام نداشتند و نتوانستند از کسی یاری طلبند!

۱۰- قوم ثمود بعد از از بین بردن حیات وحش خویش، پشیمان شدند. ولی آن موقع دیگر پشیمانی بی فایده است و سودی ندارد. پشیمانی زمانی فایده دارد که امکان برگشت به حالت قبلی وجود داشته باشد. تا وقتی که محیط زیست به حالت نابودی و یا سراشیبی نابودی نرسیده است، میتوان توبه کرد و برگشت و می توان محیط زیست را به حالت اولیه برگرداند؛ اما بعد از آن دیگر بی فایده است.

فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِين (شعراء: ۱۵۷)

سرانجام بر آن (ناقه) حمله نموده آن را «پی» کردند (و هلاك نمودند) سپس از کرده خود پشیمان شدند!

۱۱- فال بد و فال خوب گرفتن از خصوصیات قوم ثمود بوده است. این عادات که بین شرقی ها رایج است به عنوان فال بینی و طالع بینی مشهور

است و از قوم ثمود به آنها رسیده است و ربطی به تعلیمات پیامبر صالح ندارد. قوم ثمود به پیامبر صالح و پیروانش، میگفتند که شما برای ما بد یمن هستید.

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَ بِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُم عِنْدَ اللهِ بَل أَنْتُم قَوْم تُفْتَنُون (نمل: ٤٧)

آنها گفتند: «ما تو را و کسانی که با تو هستند به فال بد گرفتیم!» (صالح) گفت: «فال (نیك و) بد شما نزد خداست (و همه مقدّرات به قدرت او تعیین می‌گردد) بلکه شما گروهی هستید فریب‌خورده!

۱۲- وحدت وجود در وداها معنای دیگری داشته است که هماهنگ شدن با نظام رحمانی است. در وداها به رحمان میگویند برهمان. مفاهیم الهه گیری وارد وداها شد و تعلیمات صالح معنا و مفهوم خود را از دست داد. بعد از قرن ها، تفکرات کفرآمیز وارد وداها شد که دلیل اصلی آن نادیده گرفتن آموزه های صالح بود. پیامبر صالح قبل از هر چیزی به آنان گوشزد می کرد که غیر از خدا الهی وجود ندارد، نبوده و نیست و فقط او را عبادت و پرستش کنید که اگر اینطوری نشود، بقیه مفاهیم و دستورات به مرور زمان معنا و مفهوم واقعی خود را از دست می دهند. وقتی کتاب سماودا را می خوانید، متوجه خواهید شد که از الهه های مختلف صحبت می کنند و

این مخالف اصل پیام صالح بوده است. قرآن می فرماید که : و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را فرستادیم و گفت: «ای قوم من! تنها خدا را بپرستید، که جز او، الهی برای شما نیست! اما وقتی کتاب وداها را می خوانید، پر است از الهه پردازی که بسیار خطرناک است. فقط مواردی از آن قابل پذیرش است که مطابق قرآن و گفته های صالح باشد.

وَ إِلَي ثَمُودَ أَخَاهُم صَالِحاً قَال يَا قَوْم اعْبُدُوا الله مَا لَكُم مِنْ إِلَه غَيْرُه قَدْ جَاءَتْكُم بَيِّنَة مِن رَبِّكُم هَذِه نَاقَة الله لَكُم آيَة فَذَرُوهَا تَأْكُل فِي أَرْض الله وَ لاَ تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُم عَذَاب أَلِيم (اعراف: ٧٣)

و به سوی (قوم) ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم) گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را بپرستید، که جز او، معبودی برای شما نیست! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده: این «ناقه» الهی برای شما معجزه‌ای است او را به حال خود واگذارید که در زمین خدا (از علفهای بیابان) بخورد! و آن را آزار نرسانید، که عذاب دردناکی شما را خواهد گرفت!

۱۳- مفهوم ناقه و صلح با آن، ثابت کرد که صلح یک مفهوم ۵۰-۵۰ است. صالح قومش را به صلح با ناقه (اژدها) فراخواند. در صلح بودن یعنی از بعضی چیزها باید بگذرید و گرنه اسمش صلح نیست. خیلی از جنگها در

جهان ادامه می یابد، زیرا هر کدام از طرفین خواسته های حداکثری خود را مطرح میکنند و از موقعیت حداکثری خود پایین نمی آیند. صلح به معنای دیکته کردن نظرات خود بر دیگران نیست، بلکه یک مصالحه ۵۰-۵۰ است؛ حتی اگر شما قدرت و توانایی امتیازگیری بیشتری داشته باشید. این همان تعلیم پیامبر صالح بود که بدون اجرای آن، جان بی گناهان زیادی ریخته خواهد شد و تمام این گروهها باید جوابگوی این خونریزی ها باشند.

۱۴- اگر انسانها طغیانهای درونی خود را کنترل نکنند، خیلی زود این طغیانها به سطح جامعه خواهد رسید و باعث نابودی روابط صحیح و سالم خواهد شد.

۱۵- به سهم خودت راضی باش و به سهم دیگران تجاوز نکنید. اما این به آن معنا نیست که از سهم خود بگذرید. بعضی از هندوها سهم خود را هم نمی خواهند و تا ابد نوکر ثروتمندان می مانند، این هم افراط و تفریط است و تعادل اجتماعی را از بین می برد. هیچ پیامی از پیامبران در کتابهای پیشین سالم نمانده است. به همین خاطر است که تنها راه نجات و تنها کتاب همین قرآن است. کتابهای پیشین بسیار تحریف یافته اند و قابل تبعیت نیستند. اما شاگردان قرآن براحتی پیامهای صحیح کتابها و ادیان پیشین را تشخیص میدهند.

۱۶- وقتی بقای یک ملت در مصرف سهم محیط زیستشان بود، مشخص میشود که آن ملت از گلیم خود پا را فراتر نهاده اند و پر مصرف و مصرفگرا شده اند. ایدئولوژی ثمود مصرف گرائی ورفاه گرائی افراطی بوده است.

۱۷- وقتی خدای رحمان می فرماید ناقه الله، یعنی سبک زندگی ناقه طبق سیستم خداست و باید این سبک زنده نگه داشته شود و انسان نباید آن را منحرف کند. ناقه های مصنوعی معنویت زا نیست. مردم سگها را در خانه پیش خود می خوابانند و برای آنها تخت خواب و لباس می دوزند! اینها نگهداری از محیط زیست نیست و بلکه اینها خود فریبی است. هر کوچه و برزن و زمینی، خانه باغی ساخته اند و آب آنجا را محاصره کرده اند و حیوانات وحش را از آن دور میکنند و به این طریق محیط زیستی مصنوعی درست کرده اند. اینها همگی سبک زندگی ثمودی است. اینها ناقه های مصنوعی هستند که ربطی به ناقه الله و ارض الله ندارند و بلکه خود فریبی است.

وَ يَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللهِ لَكُم آيَة فَذَرُوهَا تَأْكُل فِي أَرْضِ اللهِ وَ لاَ تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُم عَذَاب قَرِيب (هود: ۶۴)

ای قوم من! این «ناقه» خداوند است، که برای شما نشانه‌ای است بگذارید در زمین خدا به چرا مشغول شود هیچ‌گونه آزاری به آن نرسانید، که بزودی عذاب خدا شما را خواهد گرفت!» (۶۴)

۱۸-در همان آیه که ذکر شد، ارض الله هم ذکر شده است. یعنی زمین خدا، نه اینکه آن را دستکاری می کنید و مصنوعی سازی کنید. زمین خدا یعنی زمین را طوری نگه دارید که خدا آن را آفریده است.

۱۹- وقتی آدمی سیستم برونی ، محیط زیستی، اجتماعی و چرخه طبیعی را رعایت می کند و از آن نگهداری می کند، در واقع دارد بی نظمیها، طغیانها، زیاده خواهی ها و بیماریهای روانی خود را هم درمان می کند و این یک روش آینه ای و درمان از راه دور است که یک رو انپزشکی معنوی است. روانپزشکی واقعی قرص و داروهای شیمیایی و اعتیادآور به بیمار نمی دهد؛ بلکه سعی میکند که طغیان درونی انسانها را از روشهای طبیعی بگیرد. در زمانهای خیلی قدیم مغها همینکار را میکردند و بوسیله قرصهای مخدر، مراجعه کنندگان خود را برای همیشه بیمار خود نگه میداشتند.

۲۰- معنویتی که مردم زمان صالح داشتند این بود که مردم باید محافظ جانوران و محیط زیست و سایر زیرمجموعه های خود می بودند. خدا هم به تناسب آن، از آنها محافظت می کرد. وقتی یک چرخه را به درستی در

مسیرش قرار دهید و از خراب شدن و ناقص شدن آن جلوگیری کنید؛ در واقع دارید خودت را نگهداری می کنید و به نوعی خودت را هم تامین میکنید. به این طریق یکی از روشهای سالم نگهداشتن و مواظبت از روان و درون خود، سالم نگهداشتن محیط و حفظ ارتباطات سالم با دیگران است. این در واقع کارکردن برای خدا و در خدمت خدا بودن است. ما هم در این زمینه باید کارگر و خدمتگزار خدا باشیم و با تمام وجود خود در این راه تلاش کنیم.

۲۱- علم انسانی تا وقتی که نداند نیاز واقعی و معنوی انسان چیست، نمی تواند ارزش و ماهیت واقعی انسان را تشخیص دهد و در نتیجه نمی تواند قوانین حقوق بشری درستی هم طراحی کند.

۲۲- هر کدام از ما که احساس کرد به حالت طغیان رسیده است، پنجاه درصد از هزینه هایش را کم کند و به این طریق طغیان درونی خود را می گیریم. پنجاه درصد خریدهای اضافی، خوراکهای اضافی، سفرهای اضافی تفریحهای اضافی و ... خود را کم کنیم و به این طریق طغیان درونی خود را می خوابانیم.

صرفه جوئی در پندار← صرفه جوئی در کردار← صرفه جوئی در گفتار

صرفه جوئی در پندار ، کردار ، گفتار یعنی ۵۰ درصد اینها را کم کنید که تاثیر فوق العاده ای در کنترل طغیان دارد. وقتی کردار و گفتار را متعادل کنید، پندار هم متعادل خواهد شد و در نتیجه به نفس خود پیام صلح می فرستیم. مریم زمانی که فرزندش را با خود پیش قوم خود آورد، به توصیه خدای رحمان، روزه سکوت گرفت و به این طریق خود را از گرفتاری های بعدی که ممکن بود به علت حرف زدن بوجود آید نجات داد. این یک نوع خودداری از چیزی بود که می توانست انجام دهد. مریم میتوانست در جواب کاهنان، حرفهای زیادی بزند، ولی شرایط طوری بود که سکوت و گذشتن از تهمتها راه حل و چاره مشکل بود.

۲۳- گرزهای گاونشان اژدهاکش دقیقا مخالف ماهیت پیامبر صالح بوده است. گاو نماد حیوانات سودده و اژدها نماد حیوانات وحش است. انسان نگهداری از حیوانات اهلی را بهانه ای برای از بین بردن حیات وحش قرار داده است. در هندوستان گاو نسبت به حیات وحش اهمیت بیشتری پیدا کرد و حتی مقدس شد. این برخلاف آن چیزی بوده است که پیامبر صالح به آنها گفت. در جلسات ثمود، اعضاء می گفتند که چرا آب برای اژدها باشد در حالی که گاوهای ما شیرده هستند و اژدها هیچ فایده ای برای ما ندارد. آنها فقط سود مادی را می دیدند و سود معنوی که همان خیر و برکت بود را فراموش کرده بودند. بدبختی بشر از جایی شروع میشود که سود مادی را جایگزین خیر و برکت میکند. آنها می بایست می گفتند که ما از

اژدها مواظبت می کنیم و سهم آب او و حریم او را نگه می داریم، زیرا خدا دستور فرموده است و خیر و برکت در همان چیزی است که خدا بیان فرموده اند. خدا چیزی میداند که ما نمی دانیم.